

## شناسایی عوامل موثر در وقوع و کشف جرائم فضای مجازی در استان بوشهر

کیاست سپهری<sup>۱</sup>، احمد خواجه ای<sup>۲</sup>، داود منصوری<sup>۳</sup>، لاله هژبریان<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** جرائم فضای مجازی در ایران نیز به موازات سایر کشورها در حال شکل‌گیری، رشد و گسترش بوده و روز به روز بر کثرت و پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود که آمار اعلام شده توسط پلیس آگاهی ناجا نشان‌دهنده آن است. فضای مجازی با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی چون بدون مرز بودن، امکان هنجارشکنی را به تمامی نقاط دنیا گسترش داده است. همچنین با گمنام سازی کاربرهای سایبری، امکان شناسایی هویت هنجارشکنان، تعقیب و پیگرد آن‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده است. لذا ما در این تحقیق بنا داریم با شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر در وقوع جرائم فضای مجازی در استان بوشهر راه‌های کشف و مقابله آن‌ها را شناسایی نموده، تا بدین وسیله گامی در رابطه کاهش سطح تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های جوانان استان در فضای مجازی بر داشته باشیم.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق توصیفی کمی و پیمایشی «پرسشنامه و مصاحبه» با گردآوری اطلاعات با استفاده از اسناد و مدارک موجود، و توزیع پرسشنامه در میان کاربران فضای مجازی می‌باشد. نمونه‌های مورد بررسی به صورت تصادفی انتخاب گردید.

**یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد که گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. کاربران در فضای مجازی از خاصیت گمنامی برای بیان و شرح بخش‌های جستجو نشده و محقق نشده خودهایشان و ساخت خودی که جعلی است، استفاده می‌کنند. همچنین بین پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. نتایج نیز نشان داد بین تجهیزات سازمانی نوین و هم‌چنین تخصص و مهارت کارکنان با کشف جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** فضای مجازی، کشف جرائم، گمنامی در فضای مجازی، اینترنت

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی

<sup>۲</sup> - دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> - کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد بوشهر

Email: mansoori\_d@yahoo.com

<sup>۴</sup> - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) Email: l.hozhabrian@gmail.com

## بیان مسئله و ضرورت انجام تحقیق

جرم در فضای فیزیکی به صورت فیزیکی و توسط خود انسان صورت می‌گیرد و عمل فردی، ملاک جرم محسوب می‌شود و تمام علائم و حرکات فیزیکی و معمولی است در حالی که در فضای مجازی، شکل جدیدی از حرکات و سکانات مورد نظر است و آن هم مجازی است. جرائم فضای مجازی در ایران نیز به موازات سایر کشورها در حال شکل‌گیری، رشد و گسترش بوده و روز به روز بر کثرت و پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود که آمار اعلام شده توسط پلیس آگاهی ناجا نشان‌دهنده آن است (ورندی، ۳ و ۴).

فضای مجازی با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی چون بدون مرز بودن، امکان هنجارشکنی را به تمامی نقاط دنیا گسترش داده است. همچنین با گمنام سازی کاربرهای سایبری، امکان شناسایی هویت هنجارشکنان، تعقیب و پیگرد آن‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۷: ۳۴۰).

به طور کلی کشور ما بعد از کشور چین دومین کشور از لحاظ استفاده نامناسب از فضای مجازی و اینترنت است. توسعه و پیشرفت در علوم مختلف باعث شده تا سبک زندگی مردم نیز عوض شود و امروزه کارهای بسیار زیادی به وسیله اینترنت و در فضای سایبری انجام می‌شود و افراد خلافاکاری نیز با حضور در این فضا به کلاهبرداری می‌پردازند.

کلاهبرداران اینترنتی با سوءاستفاده از ناآگاهی و یا سطح آگاهی پایین استفاده‌کنندگان از اینترنت، از این افراد سوءاستفاده می‌کنند و با مهارت‌هایی که در این زمینه کسب کرده‌اند برای رسیدن به مقاصد خود تلاش می‌کنند. بسیاری از افراد بدون اینکه اطلاعات کافی از اینترنت و به ویژه انجام کارهای تجاری و بازرگانی در فضای اینترنت داشته باشند، وارد این فضا می‌شوند و همین عدم اطلاع کافی باعث می‌شود تا با مشکل مواجه شوند. کلاهبرداران فضای سایبری هم از کوچک‌ترین فرصتی برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند و گاهاً شاهدیم که مبالغ بسیار زیادی از این طریق کلاهبرداری می‌کنند (عاملی، ۱۳۸۳). از ارکان اصلی فضای مجازی اینترنت می‌باشد. میل و اشتیاق به استفاده از اینترنت و بهره‌مندی از مزایای آن، یک تمایل جهانی می‌باشد. این تمایل که با سرعت قابل توجهی در حال افزایش است، اگر چه زمینه مشارکت جوامع را در فرایند اقتصاد داده‌پردازی فراهم می‌سازد، اما درعین حال، شرایط و بستر مساعدی نیز برای ظهور پدیده‌های نوین بزهکاری به وجود آورده است. جرائم ارتكابی در فضای مجازی، یکی از پدیده‌های نوین تلقی می‌شود (خدافلی، ۱۳۸۲: ۱۸). پیوند و اتصال شبکه جهانی اینترنت، به روشنی گویای این واقعیت است که

ویرانگری و آسیب‌رسانی می‌تواند در یک لحظه، سراسر جهان را فرا گیرد. سوءاستفاده از فناوری‌های اینترنتی می‌تواند امنیت ملی، آسایش عمومی و موجودیت یک جامعه را به مخاطره انداخته و تأثیرهای منفی بی‌شماری را بر زندگی افراد اجتماع تحمیل کند.

خبر دستگیری سارق اینترنتی در دشتستان، دستگیر عامل هتک حرمت در فضای مجازی، دستگیری عامل برداشت غیرمجاز اینترنتی در بوشهر، دستگیری متهم سریالی برداشت اینترنتی غیرمجاز، خیانت اینترنتی در لوای دوستی، صاحب کافی نت سارق اطلاعات حساب بود و غیره در صفحه حوادث روزنامه‌های بوشهر، همه و همه حکایت از وجود جرائم فضای مجازی در استان بوشهر را می‌دهد.

لذا ما در این تحقیق بنا داریم با شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر در وقوع جرائم فضای مجازی در استان بوشهر راه‌های کشف و مقابله آن‌ها را شناسایی نموده، تا بدین وسیله گامی در رابطه کاهش سطح تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های جوانان استان در فضای مجازی بر داشته باشیم.

### چارچوب نظری تحقیق

دنیای سایبر یا فضای مجازی رایانه و اینترنت دارای مالک مشخصی نیست و همانند دنیای واقعی، محیطی است برای استفاده تمامی انسان‌ها با این تفاوت که دنیای واقعی اولاً مخلوق انسان نیست و ثانیاً استفاده از آن بدون وجود امکانات برای همه انسان‌ها میسر است. اما دنیای مجازی رایانه و اینترنت مخلوق انسان است و استفاده از آن منوط به وجود برخی امکانات مادی و معنوی است. فضای مجازی، محیطی است غیر ملموس که در شبکه‌های بین‌المللی (این شبکه‌ها از طریق شاهراه ای اطلاعاتی مثل اینترنت بهم متصل هستند) قرار دارد که حاوی اطلاعات راجع به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و به طور کلی هر آنچه در کره خاکی به طور فیزیکی ملموس وجود دارد به شکل دیجیتالی وجود داشته و قابل استفاده کاربران می‌باشد.

ما در تحقیق خود پیرامون جرائم فضای مجازی از چارچوب تلفیقی استفاده می‌کنیم. فرض بر این نیست که یک نظریه به تنهایی بتواند جوابگوی تبیین کل جرائم و انحرافات باشد، بلکه نظریه‌های دیگر باید در این خصوص کمک نمایند. آلبرت کوهن می‌نویسد: «ما انواع نظریه‌ها را مورد بحث قرار دادیم ولی این بدین معنی نیست که این یا آن نظریه به عنوان تبیین کل بزهداری ترسیم شود» (کوهن، ۱۳۵۵: ۱۳).

ما برای تبیین پدیده جرائم فضای مجازی از نظریه‌های مربوط به ساختاری‌گیدنز، نظریه نمایشی گافمن و استفاده خواهیم کرد.

## نظریه ساختاری گیدنز

نظریه ساخت یابی گیدنز، به نوعی تلفیق بین تعامل‌گرایی و ساختارگرایی است. گیدنز برای تلفیق ساختار و کنش، مفهوم ساخت یابی را وضع کرده است. هدف گیدنز، تلفیق و سازگاری بین ساختار نهادی و عاملیت فردی در قالب یک الگوی ترکیبی نظریه اجتماعی است. او استدلال می‌کند که کنش‌های روزمره مانند خرید کردن، به مدرسه رفتن و غیره هم تولید (زاییده) و هم باز تولید (زاینده) ساختارهای اجتماعی است.

طبق نظریه ساخت یابی، عامل انسانی و ساخت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را باز تولید می‌کند و به واسطه همین باز تولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی بر می‌گردد که در چنین کنشی نهفته است (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

به بیان دیگر، این انسان‌ها هستند که ساختارها را می‌سازند، ولی این کار را تحت شرایط انتخابی‌شان انجام نمی‌دهند، بلکه این تولید و باز تولید ساختار را تحت شرایط و موقعیت‌هایی که مستقیماً با آن رو به رو می‌شوند و از گذشته به آن‌ها منتقل شده است، انجام می‌دهند. به این ترتیب گیدنز بر فراگردی دیالکتیکی تاکید می‌کند که طی آن ساختار و آگاهی ساخته می‌شوند. به همین دلیل است که وی رابطه عاملیت و ساختار را به صورت فراگردی پویا و تاریخی در نظر می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۸: ۷۰۲).

گیدنز، حیات اجتماعی را نه مجموعه‌ای از کنش‌های فردی و نه مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی، بلکه به مثابه فرایندی تعریف می‌کند که مفهوم کلیدی آن، عمل اجتماعی است و دارای دو جنبه «عاملیت» و «ساخت» است. به عبارتی، ساختارهای اجتماعی، هم واسطه کنش‌اند یا کنش را ممکن می‌سازند، و هم خود به وسیله کنش اجتماعی باز تولید می‌شوند.

نقطه تمرکز نظریه ساخت یابی، بر مفهوم جدایی زمان از مکان است. گیدنز چنین فرض می‌کند که تغییرات ساختاری در قدرت، به واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و دموکراسی سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همبسته بودند، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به صورت مجزا از یکدیگر، گسترش یافته است.

بر اساس نظریه ساخت یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند، اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر اساس باز تولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به طور همزمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و باز تولید بپردازند، اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند.

در واقع، با استفاده از نظریه ساخت یابی می‌توان استنباط کرد که هر چه کاربران با فعالیت بازاندیشی و مشارکت جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر است، ولی هر چه کاربران منفعل و غیر مشارکت جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها کمتر خواهد بود.

### نظریه نمایشی گافمن

مهم‌ترین اثر گافمن کتاب «نمود خود در زندگی روزانه» (۱۹۵۹) است. برداشت گافمن از خود، با رهیافت نمایشی او شکل گرفته بود. او خود را در تملک کنشگر نمی‌انگارد، بلکه آن را محصولی از کنش متقابل نمایشی میان کنشگر و حضارش می‌داند. خود، «یک اثر نمایشی است که از صحنه نمایش بر می‌خیزد». (گافمن، ۱۹۵۹: ۲۵۳)

گافمن بر این باور بود که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد. اما کنشگران می‌دانند که حضارشان ممکن است در اجرای نقش آن‌ها اختلال ایجاد کنند، به همین دلیل نیاز به نظارت بر حضار احساس می‌شود. کنشگران امید دارند خودی را به حضار نشان دهند که دوست دارند دیده شود تا حضار داوطلبانه به دلخواه آن‌ها عمل کنند. گافمن این فرایند را با عنوان «مدیریت تأثیرگذاری» مطرح کرد. (همان، ۲۹۲)

جلو صحنه بخشی از فرایند اجرای نقش است که موقعیت را برای بینندگان نمایش مشخص می‌کند «اجرا» یا ایفای نقش به معنای فعالیتی است که فرد در مدت زمان حضور مداوم خود در صحنه در برابر تماشاگران انجام می‌دهد. نمای کنشگر را در روی صحنه می‌توان به دو مقوله «حضور» و «حالت» تقسیم کرد.

پشت صحنه جایی است که واقعیت‌های جلو صحنه واپس زده می‌شوند و انواع کنش‌های غیررسمی ممکن است اتفاق بیفتد. ایفاکنندگان نقش باید اطمینان داشته باشند که هیچ یک از افراد جلو صحنه در پشت صحنه ظاهر نمی‌شوند. با وجود این آن‌ها انواع مدیریت تأثیرگذاری را برای اطمینان از این امر به کار می‌بندند.

نظریه نمایش بر این پیش‌فرض استوار است که هویت شخصی چیزی ثابت و یا نهادی روان‌شناختی مستقل نیست، بلکه دائماً به عنوان شخصی که دارد با دیگران تعامل می‌کند، بازسازی می‌شود. «خود» به عنوان یک شخصیت متبلور و اظهارشده، یک امر ارگانیک نیست که دارای مکان خاصی باشد بلکه صرفاً به مثابه میخی است که برای تثبیت چیزی بیرون آمده از یک عمل اشتراکی کاربرد دارد و ابزار مورد نیاز برای ایجاد و دست‌کاری این «خود» در خود میخ موجود نیست. گافمن بر این باور است که «خود» یک ذات نیست که به گونه‌ای مقدم بر شکل‌گیری اجتماعی آن باشد، بلکه بیشتر برخاسته از عمل اجراست (گیویستو و پیتمن، ۲۰۰۷).

فضای مجازی به عنوان یک فضای تعاملی نو ظهور، برای مطالعه حاضر به مثابه یک صحنه‌ی نمایش در نظر گرفته شده است، و از این لحاظ نظریه نمایشی گافمن و الزامات مفهومی آن نیز برای تبیین خود در این فضای جدید قابل کاربرد در نظر گرفته شده است. فضای مجازی محدوده‌های جدیدی از تعامل را با توسعه آداب و معاشرت‌های آن به وجود آورده است. ارتباطات اینترنتی اگرچه نسبت به تعاملات مبتنی بر حضور فیزیکی ضعف‌های فراوانی دارد، در عین حال فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی را برای نمایش «خود» فراهم می‌کند. (میلر، ۱۹۹۸)

آنچه در مورد فضای مجازی، جدا از تأثیرهای منفی یا مثبت آن می‌توان گفت، آن است که ارتباطات در فضای مجازی بر طبیعت و کیفیت کنش‌های متقابل اثر می‌گذارد (برینگا، ۲۰۰۵). این گونه ارتباطات در چارچوب امکانات گوناگونی که در آن تعبیه شده است، امکان نمایش «خود» را به روش‌های گوناگون فراهم کرده است. آنچه که در اینجا مهم است این است که «خود» در فضای مجازی بویژه در چت به صورت‌های بسیار متنوعی نمایش داده می‌شود.

گافمن در نظریه خویش به این موضوع اشاره می‌کند که افراد نقش‌های زیادی را در تعاملات اجتماعی خویش بر عهده می‌گیرند. هر فردی در یک موقعیت اجتماعی تنها می‌تواند یک نقش را داشته باشد و این در حالی است که همان فرد می‌تواند در یک موقعیت دیگر نقشی کاملاً متفاوت را بدون هیچ‌گونه تناقضی اجرا کند. فرد در فضای اینترنت می‌تواند نقش‌های متفاوت و متناقضی را در یک موقعیت اجتماعی بازی کند و تمهیداتی اتخاذ کند تا کسی نسبت به آن نقش‌ها آگاهی نیابد.

در نظریه گافمن، جلو یا روی صحنه جایی است که مخاطبان در آن به قضاوت می‌نشینند، اما در فضای مجاز افراد با استفاده از نمادهای مجازی «خود» را به نمایش می‌گذارند. بنابراین صحت یک نمایش «خود» در فضای مجازی نامعلوم است (واسکال و داگلاس، ۱۹۹۷).

اجرای یک نقش در جلوی صحنه در زندگی واقعی در برگیرنده‌ی شماری از عناصر دیداری و شنیداری است که نمود فیزیکی را محقق می‌کنند. این نمود فیزیکی شامل خصوصیات آماری و وضعیت فیزیکی از جمله اندازه، شکل و شیوه‌ی ایستادن از یکسو و رفتار و صحبت کردن از جمله استفاده از واژه‌های استاندارد، لهجه محلی و یا تأکید بر صداهای خاص و غیره..... می‌شود. این دقیقاً چیزی است که در نمایش فضای مجازی «خود» از دست می‌رود و یا محو می‌شود و امکان بروز نمی‌یابد. (برینگال، ۲۰۰۵)

متغیر گمنامی در فضای مجازی از نظریه نمایشی گافمن گرفته شده است. گافمن در نظریه خویش به این موضوع اشاره می‌کند که افراد نقش‌های زیادی را در تعاملات اجتماعی خویش بر عهده می‌گیرند. هر فردی در یک موقعیت اجتماعی تنها می‌تواند یک نقش را داشته باشد و این در حالی است که همان فرد می‌تواند در یک موقعیت دیگر نقشی کاملاً متفاوت را بدون هیچ‌گونه تناقضی اجرا کند. فرد در فضای اینترنت می‌تواند نقش‌های متفاوت و متناقضی را در یک موقعیت اجتماعی بازی کند و تمهیداتی اتخاذ کند تا کسی نسبت به آن نقش‌ها آگاهی نیابد. (گیویستو و پیتمن، ۲۰۰۷)

متغیر دینداری از نظریه ساختاری گیدنز گرفته شده است. دین به منزله پدیده‌ای پویا، مهم‌ترین رکن هویت فرهنگی و اجتماعی در جامعه می‌باشد و نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت جوانان دارد. بر این اساس کاهش سطح دینداری منجر به بحران هویت و جرم در سطح جامعه می‌شود.

طبق روابط علی و معلولی حاکم بر فضای جهان، همان‌طور که اینترنت تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر جوامع انسانی می‌گذارد، عوامل انسانی گوناگونی هم بر استفاده از اینترنت تأثیرگذارند. از مهمترین عوامل می‌توان به ویژگی‌های جمعیت شناختی کاربران اینترنت و کامپیوتر اشاره کرد. در مدل اخلاقی ارائه شده توسط، ورنل و استد (۱۹۹۰) به تأثیر فاکتورهای شخصی مثل سن و مذهب در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اخلاقی اشاره شده است (کوهن، ۲۰۰۹).

هافمن طی پژوهشی عنوان کرده است که خصوصیات جمعیت شناختی افراد (جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و سن) با استفاده آنان از اینترنت همبستگی بالایی دارد (هافمن، ۱۹۹۶). همچنین الموتریف مقطع تحصیلی، سن، محل سکونت، اعتقاد شخصی نسبت به اینترنت را از عوامل مؤثر بر استفاده افراد از اینترنت می‌داند (الموتریف، ۲۰۰۰)

هرچند اینترنت به عنوان یک فناوری فراگیر، به هر فردی اجازه می‌دهد بدون توجه به پایگاه اجتماعی- اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، سن و جنس به طور مساوی از آن استفاده کند اما نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد زنان بیشتر از اینترنت و کامپیوتر استفاده می‌کنند (توکلی و دیگران، ۱۳۸۵:۸۷)

اگرچه برخی معتقدند نابرابری میزان دسترسی زنان و مردان به اینترنت باعث این تفاوت شده است اما پژوهش‌کنی و همکاران نشان داده که حتی زمانیکه زنان و مردان دسترسی یکسانی به اینترنت دارند، ممکن است به طور یکسان از آن استفاده نکنند (باستانی، ۱۳۸۶:۴۶).

بسیاری از پژوهشگران طی تحقیقات خود به تفاوت جنسیت در تصمیمات اخلاقی در تجارت و در فناوری اطلاعات اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند که جنسیت در شناخت علایق اخلاقی و ساخت تمایلات اخلاقی و اخذ تصمیم‌های اخلاقی نقش مهمی ایفا می‌کند (موگان، ۲۰۰۵).

آدام در کتاب خود در مورد تأثیر جنسیت بر رفتارهای اخلاقی در فناوری اطلاعات چنین بیان می‌کند «در بسیاری از موضوعات اخلاقی مرتبط با فناوری اطلاعات جنسیت از اهمیت خاصی برخوردار است».

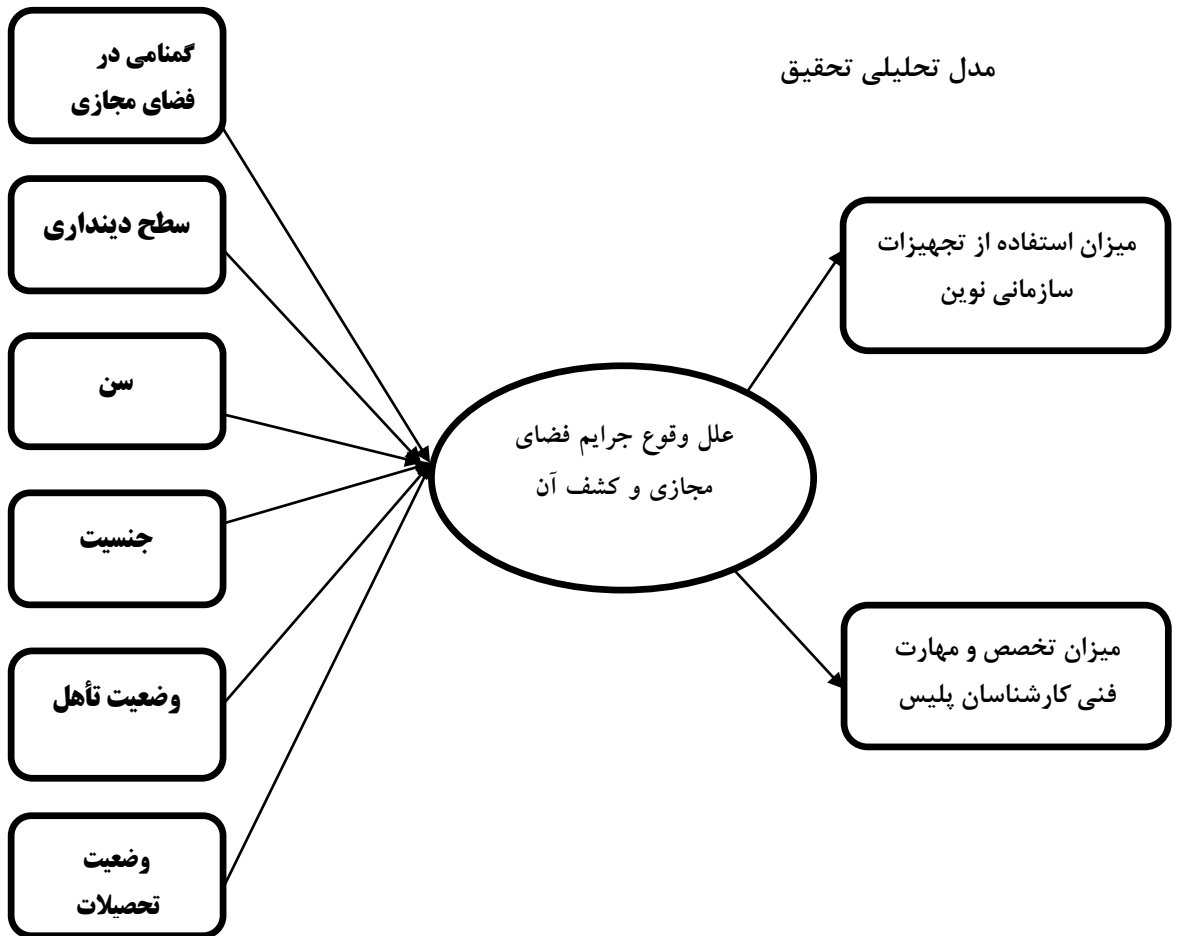
در مقابل پژوهشگرانی مثل ویتل و پسلاک معتقدند که به طور کلی جنسیت تأثیر معناداری بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در ، فناوری اطلاعات ندارد (ویتل، ۲۰۰۳) گلور و همکاران سن را فاکتور مهمی برای شناخت مسائل اخلاقی نمی‌دانند؛ اما افرادی مثل ویتل اعتقاد دارند که افراد مسن شخصاً تمایل بیشتری به رعایت هنجارهای اخلاقی دارند (ویتل، ۲۰۰۳). اما پسلاک ذیل نتایج تحقیق خود بیان می‌کند که سن در بعضی موارد روی تصمیم‌گیری‌های اخلاقی مؤثر است و در بعضی دیگر چندان حائز اهمیت نیست (پسلاک، ۲۰۰۶)

به عقیده برخی صاحب‌نظران استفاده مؤثر از اینترنت زمانی میسر است که آگاهی و سواد افراد جامعه افزایش یابد. از طرفی، رعایت مسائل اخلاقی در اینترنت نیز از جایگاه قابل توجهی برخوردار است و این مسأله در مورد افراد تحصیل کرده از اهمیت بالاتری برخوردار است. های و همکارانش به این مسأله اشاره داشته‌اند که «نتایج اخلاقی فناوری اطلاعات بین دانشجویان و افراد حرفه‌ای بسیار شبیه به هم است» (فیشر، ۲۰۰۱).

بسیاری از محققان معتقدند که علاوه بر سطح دانش افراد، رشته تحصیلی می‌تواند در جهت‌دهی گرایش‌ها اخلاقی افراد متفاوت باشد. اما در مقابل پژوهشگرانی مثل پسلاک معتقدند که دانشجویان فناوری اطلاعات، تصمیم‌گیری‌های اخلاقی تری نسبت به سایرین ندارند. (پسلاک، ۲۰۰۶)



## مدل تحلیلی تحقیق



بر اساس چارچوب نظری این مقاله، فرضیه‌های مورد بررسی عبارت‌اند از:

- ۱) بین پایین بودن سن کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۲) بین جنسیت کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۳) بین وضعیت تأهل کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۴) بین وضعیت تحصیلی کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۵) بین گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۶) بین پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- ۷) میزان استفاده از تجهیزات سازمانی نوین در کشف جرائم فضای مجازی تأثیرگذار است.
- ۸) میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس در کشف جرائم فضای مجازی تأثیرگذار است.

## روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی کمی و پیمایشی «پرسشنامه و مصاحبه» با گردآوری اطلاعات با استفاده از اسناد و مدارک موجود، و توزیع پرسشنامه در میان کاربران فضای مجازی می‌باشد. پرسشنامه توسط پژوهشگر به مدد مطالعات و تئوری‌های ملی و جهانی و مصاحبه با خبرگان این حوزه تدوین و تشکیل شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کاربران اینترنت مراکز فناوری اطلاعات و کافی نت های شهر بوشهر که میانگین سنی آنها بین ۲۰-۳۹ سال سن دارند را شامل می‌شود.

نمونه بخشی از جامعه آماری است که معرف کل آن جامعه باشد. برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری از معادله نمونه‌گیری کوکران که به قرار زیر است، استفاده می‌شود (منصور فر، ۱۳۸۲). نمونه آماری بر اساس فرمول ۳۸۰ نفر بودند. اما با این حال به دلیل وسعت قلمرو جمعیت آماری تحقیق و برای اطمینان بیش تر و با نظر به مسئله ریزش داده‌ها و با درونگری نسبت به حذف پرسش نامه‌های ناقص، حجم نمونه آماری بیشتر از حجم نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران شد. در کل حجم نمونه  $n=400$  شد.

### تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

**سن:** منظور از سن تعداد سال‌هایی است که فرد تاکنون گذرانده و در سوال اول پرسشنامه از آنها پرسیده شده است.

**وضعیت تأهل:** این متغیر به مجرد یا متأهل بودن فرد اشاره دارد که در سوال ۲ پرسشنامه از آنها پرسیده شده است.

**میزان تحصیلات:** این متغیر به سطح تحصیلات فرد اشاره دارد که در سوال ۳ پرسشنامه اشاره دارد.

**جنسیت:** این متغیر به تفاوت‌های بیولوژیک و آناتومیک که زنان را از مردان متمایز می‌سازد و به دو نوع مرد و زن تقسیم می‌شود که در سوال ۴ پرسشنامه اشاره دارد.

**گمنامی در فضای مجازی:** گمنامی به طور سنتی به عنوان ناتوانی دیگران در شناسایی یک شخص یا برای دیگران در شناخت خودشان درک شده است. این مسئله ممکن است در یک زمینه اجتماعی بزرگ مثل انبوه مردم، یا یک زمینه اجتماعی کوچک‌تر، مثل ارتباط دو نفر در اینترنت وجود داشته باشد.

تعریف عملی گمنامی در این پژوهش واقعی جلوه دادن شخصیت در تعاملات، گمنامی در تعاملات، جلوه دادن شخصیت با توجه به شرایط پیشرو می‌باشد که با استفاده از مقیاس طیف لیکرت گویه

های زیر استفاده خواهند گردید: در تعاملات اینترنتی خود را به صورت واقعی معرفی می‌کنم، در تعاملات اینترنتی به خاطر ناشناسی راحت تر هستم، در تعاملات اینترنتی خود را به صورت مستعار معرفی می‌کنم، در تعاملات اینترنتی شخصیت دلخواه خودم را معرفی می‌کنم، تا چه حد گمنامی در اینترنت را تأیید میکنید، در تعاملات اینترنتی متناسب با شرایط مقتضی شخصیت چندگانه ای را نشان میدهم، در تعاملات اینترنتی دوست دارم طرف مقابل من، خودش را درست معرفی کند، در تعاملات اینترنت سعی می‌کنم آنچه که طرف مقابل من می‌خواهد باشم، که در نهایت سطح سنجش متغیر گمنامی در فضای اینترنت فاصله‌ای بود.

**سطح دینداری:** در پژوهش حاضر، سطح دینداری از این قرار است: داشتن اهتمام و التزام به ابعاد گوناگون دین اسلام، به گونه‌ای که آثار و نشانه‌های آن در نگرش، گرایش و کنش فرد آشکار شود. به نظر گلاک و استارک، همه ادیان دنیا به رغم تفاوت‌هایی که در جزئیات دارند، عرصه‌های مشترکی دارند که دین‌داری در آن جا متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آن‌ها را ابعاد مرکزی دین‌داری به حساب آورد عبارت‌اند از: ۱) بعد اعتقادی یا باورهای دینی: عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. ۲) بعد مناسکی یا اعمال دینی: شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود در هر دین آن‌ها را بجا آورد. ۳) بعد تجربی یا عواطف دینی: ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی نمایی یا اقتداری متعالی است. ۴) بعد فکری یا دانش دینی: مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آن‌ها را بدانند. ۵) بعد پیامدی یا آثار دینی: ناظر به آثار باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (سراج زاده، ۱۳۸۷).

**جرائم فضای مجازی:** جرم فضای مجازی یا سایبری را این‌گونه تعریف کرده‌اند هر جرمی که دربردارنده رایانه‌ها و شبکه‌ها باشد جرم سایبری است، ولو آنکه خیلی متکی به رایانه نباشند این در حالی است که عده‌ای جرائم سایبر را جرائمی می‌دانند که دسته‌های مختلفی از جرائم را در فضای سایبر و شبکه جهانی اینترنت در بر می‌گیرند و شامل «جرائم ارتكابی به کمک رایانه» و «جرائم متمرکز بر رایانه» نیز می‌شود، در واقع جرائم فضای مجازی در فضای سایبر که متشکل از شبکه‌ها خصوصاً اینترنت رخ می‌دهد. از رفتارهای جدیدی که با گسترش کاربری اینترنت رواج یافته می‌توان به ایجاد روابط در اتاق‌های گفتگوی اینترنت، اعتیاد به اینترنت، پرسه زنی سایبری، مزاحمت‌های اینترنتی و هرزه نگاری، عشق‌های مجازی و سوءاستفاده‌های جنسی، هک کردن، انتشار انواع

ویروس‌ها، کلاهبرداری، جاسوسی و تخریب کامپیوتری و عدم رعایت حقوق مالکیت فکری و سرقت نرم‌افزارها و عدم رعایت حریم خصوصی می‌توان اشاره کرد.

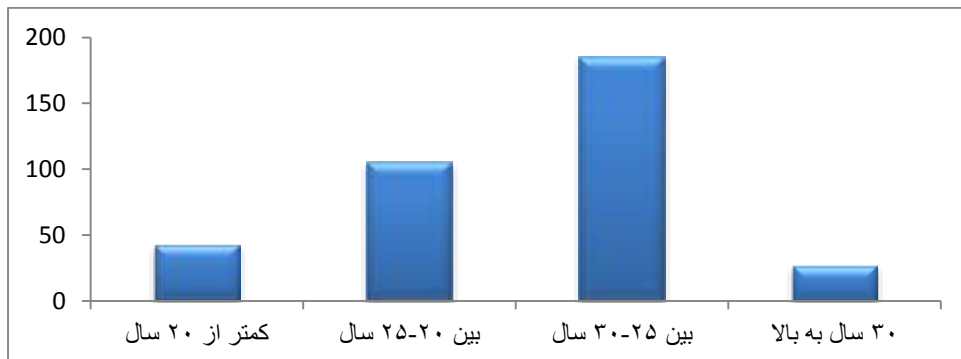
**میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس:** این متغیر به میزان توانایی و تخصص فرد در هماهنگ کردن خود با ابزارها، وسایل و تجهیزات فنی کارشناسان پلیس اشاره دارد. (هانتینگ و همکاران، ۱۴:۱۳۷۳) برای سنجش پذیر کردن این متغیر از ۷ گویه استفاده شده است که به به‌کارگیری نیروی متخصص و ماهر در سازمان، آشنایی پرسنل با مهارت‌های فنی، برخورداری بودن پرسنل از دانش کافی در خصوص سیستم‌ها و رویه‌ها و ابزارهای فنی، اعتماد به نفس و تحمل فشار کاری زیاد اشاره دارد (وروایی و دیگران، ۱۳۹۰).

**میزان استفاده از تجهیزات سازمانی نوین:** این متغیر به تجهیزات فیزیکی نوین (سخت‌افزار)؛ تکنیک‌ها، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جدید (نرم‌افزار)؛ که به منظور افزایش کارایی در جریان تبدیل نهاده‌ها به ستاده‌ها (فرآیند تبدیل) به کار گرفته می‌شوند، اشاره دارد (ال. دفت؛ ۱۳۷۷). برای عملیاتی کردن و سنجش پذیر کردن این متغیر از قابلیت سازمان در استقرار و پشتیبانی از هرگونه سخت‌افزار، استفاده از تجهیزات فنی و سخت‌افزارها و نرم‌افزارها در بازیابی اطلاعات و همروند بودن نرم‌افزارها با فرایند در حال تغییر در سازمان، پرسیده شده است. (فرجی و دیگران، ۱۳۸۹).

### یافته‌های تحقیق

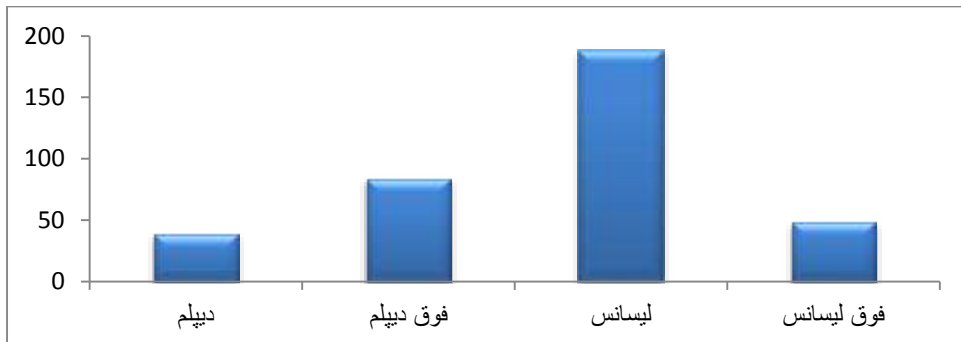
در این تحقیق کل نمونه مورد بررسی را ۳۶۰ نفر تشکیل می‌دهند. شکل زیر ترکیب نمونه‌های مورد بررسی را بر حسب سن نشان می‌دهد.

نمودار ۱: ترکیب نمونه‌های مورد بررسی بر حسب سن



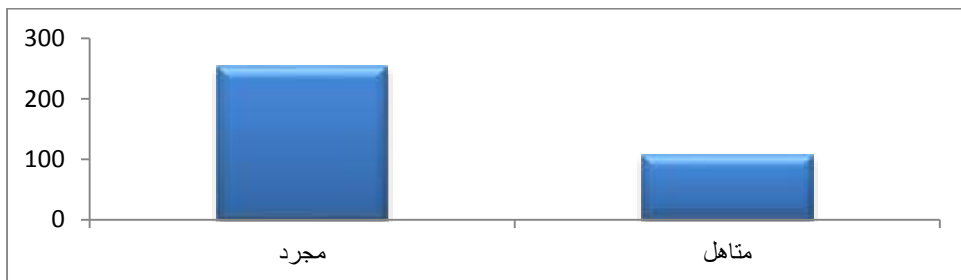
همان گونه که ملاحظه می‌گردد اکثریت نمونه مورد بررسی ۱۰۵ نفر به عبارتی ۵۰٪ از نمونه دارای سن بین ۲۵ تا ۳۰ سال بوده‌اند. و تعداد ۲۷ نفر هم دارای ۳۰ سال به بالا هستند.

#### نمودار ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان از لحاظ تحصیلات



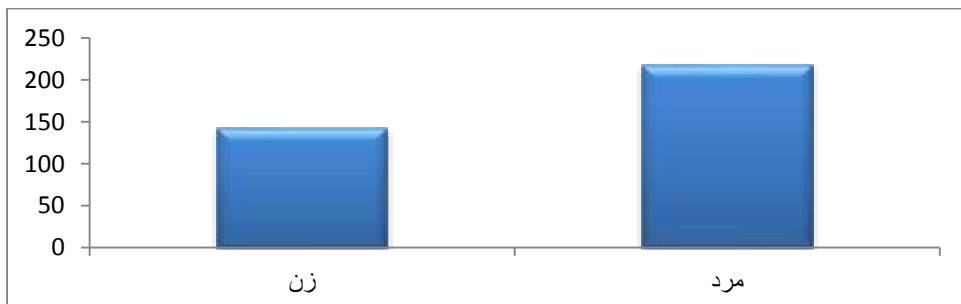
با توجه به جدول بالا مشاهده می‌گردد که، تعداد ۳۹ نفر دارای تحصیلات دیپلم، تعداد ۸۴ نفر دارای فوق دیپلم، تعداد ۱۸۸ نفر دارای لیسانس و تعداد ۴۹ نفر هم دارای فوق لیسانس هستند.

#### نمودار ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان از لحاظ تأهل



با توجه به اطلاعات بالا، تعداد ۲۵۴ نفر مجرد و تعداد ۱۰۶ نفر متأهل هستند.

#### نمودار ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان از لحاظ جنسیت



با توجه به اطلاعات بالا، تعداد ۱۴۲ نفر زن و تعداد ۲۱۶ نفر مرد هستند.

### آزمون فرضیه‌های تحقیق

۱- آزمون فرضیه‌ی اول: بین پایین بودن سن کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.

پیش فرض اولیه ما این بود که هرچه سن کاربران کمتر باشد جرائم فضای مجازی در بین آنها بیشتر می‌شود. برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر  $0,23-$  و سطح معناداری آن  $0,039$  می‌باشد. این نتایج نشان‌دهنده آن است که فرضیه مذکور در سطح  $95\%$  پذیرفته شده است؛ مبنی بر اینکه بین سن کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه معنی‌دار و در جهت معکوس وجود دارد. در ادامه جداول مربوط به آزمون همبستگی بین سن کاربران و جرائم آورده شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای «سن کاربران» و «جرائم فضای

#### مجازی»

نام متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن کاربران	$0,23^{***}$	$0,039$

۲- آزمون فرضیه‌ی دوم: بین جنسیت کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. پیش فرض اولیه ما این است که جرم در بین مردان بیشتر است. برای بررسی این فرضیه به دلیل اینکه نمرات دو گروه مردان و زنان با هم مقایسه می‌شوند، از آزمون تی مستقل استفاده شده است که نتایج آن به شرح جداول زیر است.

جدول ۲: نتایج آزمون بین متغیرهای «جنسیت کاربران» و «جرائم فضای مجازی»

وضعیت جنسیت	میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری
زن	۷۴,۴۸۶	۴,۵۶۷	۰/۰۰۰
مرد	۷۹,۱۰۳		

با توجه به اطلاعات به دست آمده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه پذیرفته می‌شود، یعنی بین جنسیت کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

۳- آزمون فرضیه سوم: بین وضعیت تأهل کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.

پیش‌فرض اولیه ما این است که جرم در بین مجردان بیشتر از متأهلین می‌باشد. برای بررسی رابطه بین وضعیت تأهل کاربران و جرائم فضای مجازی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به  $sig=.034$  به دست آمده (چون مقدار به دست آمده از سطح اطمینان کمتر می‌باشد)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه تأیید می‌شود، یعنی بین دو متغیر وضعیت تأهل کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد و جرم در میان مجرمین بیشتر است و فرضیه ما ثابت می‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای «وضعیت تأهل» و «جرائم فضای

مجازی»

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
وضعیت تأهل	۰,۵۷۹***	۰,۰۳۴

۴- آزمون فرضیه چهارم: بین وضعیت تحصیلی کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود

دارد.

برای بررسی رابطه بین وضعیت تحصیلی کاربران و جرائم فضای مجازی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به اطلاعات به دست آمده (مقدار  $sig=.003$  که کمتر از مقدار اطمینان می‌باشد) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه پذیرفته می‌شود، یعنی بین وضعیت تحصیلی کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای «وضعیت تحصیلی» و «جرائم فضای مجازی»

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
وضعیت تحصیلی	۰,۱۵۸**	۰,۰۰۳

۵- آزمون فرضیه پنجم: بین گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. مقدار  $\text{sig.}=0/028$  نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی است پس می توان نتیجه گرفت فرضیه پذیرفته می شود، یعنی بین گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی وجود معناداری دارد.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس جهت آزمون فرضیه پنجم

منشأ تغییرات		مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی داری
گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی	بین گروه ها	۱۴/۶۲۶	۴	۳/۶۵۷	۲/۱۱۶	۰/۰۲۸
	درون گروه ها	۶۱۳/۳۲۹	۳۵۵	۱/۷۲۸		
جمع		۶۲۷/۹۵۶	۳۵۹			



۶- آزمون فرضیه ششم: بین پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به سطح معنی داری آزمون  $\text{Sig.} = .002$  که از  $0.05$  کمتر می باشد، فرضیه تأیید می شود، یعنی بین دو میانگین (متغیر) پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس جهت آزمون فرضیه ششم

منشأ تغییرات		مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی داری
پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی	بین گروه‌ها	۷/۱۲۸	۴	۱/۷۸۲	۲/۱۱۶	۰/۰۰۲
	درون گروه‌ها	۵۱۸/۳۲۷	۳۵۵	۱/۴۶۰		
	جمع	۵۲۵/۴۵۶	۳۵۹			

### کشف جرائم فضای مجازی

برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در جهت بررسی و آزمون فرضیه‌های هفتم و هشتم پرسشنامه‌ای با نظر اساتید طراحی شد که در آن نظر کارکنان پلیس فتا استان بوشهر در مورد عوامل موثر بر کشف جرائم فضای مجازی شامل میزان تخصص و مهارت کارکنان و میزان تجهیزات سازمانی پرسیده شده است.

جامعه آماری انتخاب شده در این پرسشنامه شامل همه کارکنان پلیس فتا (۲۳ نفر) بود. به لحاظ محدودیت جامعه آماری در این پرسشنامه، نمونه‌گیری ضرورت نداشت و به صورت تمام شمار نظرسنجی شده‌اند.

۷- آزمون فرضیه هفتم: میزان استفاده از تجهیزات سازمانی نوین در کشف جرائم فضای مجازی تأثیرگذار است.

از آنجایی که دو متغیر تجهیزات سازمانی نوین و کشف جرائم فضای مجازی به مقیاس فاصله‌ای تبدیل گردیده‌اند؛ لذا جهت آزمون فرضیه هفتم تحقیق می‌توان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمود. پس از انجام این آزمون می‌توان خروجی‌ها و نتایج را بصورت جدول شماره (۷-۴) نشان داد.

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه هفتم پژوهش

متغیر	ضریب همبستگی $r$	ضریب تعیین $R^2$	سطح معنی‌داری
میزان استفاده از تجهیزات سازمانی نوین	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۰۰۰

همان‌گونه که نتیجه این آزمون نشان می‌دهد سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کوچک‌تر از ۰/۰۵ گردیده است. لذا می‌توان اذعان داشت که فرضیه هفتم تحقیق پذیرفته می‌گردد. یعنی می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفت که بین تجهیزات سازمانی نوین و کشف جرائم فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی دیگر از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۴۰ گردیده است، لذا می‌توان گفت که رابطه مثبت بین آن‌ها برقرار می‌باشد.

۸- آزمون فرضیه هشتم: میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس در کشف جرائم فضای مجازی تأثیرگذار است.

از آنجایی که دو متغیر میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس و کشف جرائم فضای مجازی به مقیاس فاصله‌ای تبدیل گردیده‌اند؛ لذا جهت آزمون فرضیه هشتم تحقیق می‌توان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمود. پس از انجام این آزمون می‌توان خروجی‌ها و نتایج را بصورت جدول شماره (۸-۴) نشان داد.

### جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه هشتم تحقیق

متغیر	ضریب همبستگی $r$	ضریب تعیین $R^2$	سطح معنی داری
میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس	۰/۱۷	۰/۰۳۱	۰/۰۳۵

همان گونه که نتیجه این آزمون نشان می‌دهد سطح معنی داری برابر با ۰/۰۳۵ بوده و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ گردیده است. لذا می‌توان ادعان داشت که فرضیه هفتم تحقیق پذیرفته است. یعنی می‌توان در سطح خطای معنی داری ۵٪ پذیرفت که بین میزان تخصص و مهارت فنی کارشناسان پلیس در کشف جرائم فضای مجازی تأثیرگذار است رابطه معناداری وجود دارد.

#### نتایج حاصل از آزمون داده‌ها

فرضیه اول نشان می‌دهد که بین پایین بودن سن کاربران و فضای مجازی رابطه وجود دارد. افراد در سن پایین با توجه به ضعف اندیشه و قرار گرفتن در دوران گذار از مرحله نوجوانی به جوانی، و نیز حضور در یک بازه زمانی حساس که در آن‌ها اندیشه‌های ماجراجویانه‌ای را برانگیخته است، بیشتر در معرض جرم و بزهکاری هستند.

آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین جنسیت و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. کارشناسان می‌گویند زنان کمتر به تنهایی مرتکب جرم می‌شوند و اغلب نقش معاونان را بازی می‌کنند، آن‌ها به دلیل ویژگی‌های زنانه از تکرار جرم هراس دارند.

آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین وضعیت تأهل و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. از جمله شرایطی که انسان را در معرض ارتکاب بزه قرار می‌دهد، تجرد و تنهایی و غوطه‌ور شدن در افکار جزیی و غیرضروری است که بذر وسوسه شیطانی را در ذهن فرد می‌کارد و از نظر روانشناسی هم نتیجه اولیه تنهایی افسردگی است زیرا تنهایی توأم با غوطه‌ور شدن در تفکرات رنگارنگ است و چنانچه فرد از نظر تقلید به اصول مذهبی و مقررات اجتماعی سهل‌انگار و مسامحه‌گر باشد و به دنبال انجام کار و اشتغال و مطالعه و تفریح نباشد حلول فکر بزهکارانه و انجام آن دور از انتظار نخواهد بود.

آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که بین وضعیت تحصیلی کاربران و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. به عبارتی هرچه تحصیلات بالاتر باشد و شمار افراد تحصیل کرده بیشتر باشد جرم کاهش می‌یابد.

امروزه محققان در این امر متفق‌القول می‌باشند که سوادآموزی و بالا رفتن سطح تحصیلات یکی از قوی‌ترین عوامل بازدارند است که مانع افراد از ارتکاب جرم و آلوده شدن آنان به اعمال ضد اجتماعی می‌شود زیرا فرد تحصیل کرده به سبب برخورداری از این نیروی توانا، کمتر دست بجنایت می‌زند و بندرت گرفتار ناهنجاری‌ها می‌گردد لذا باید توجه داشت که از یک سو تعلیم و تربیت باید به صورتی بایسته و شایسته انجام بگیرد و از سوی دیگر این دو پدیده لازم و ملزوم یکدیگرند و باید باهم توأم شوند تا بتوانند سطح اخلاقی افراد را بالا ببرند و عادات خوب و پسندیده را جانشین اعمال ناپسند و زشت نمایند.

آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین گمنامی در فضای مجازی و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. حضور در فضای مجازی به علت ویژگی‌های خاص آن، از جمله گمنامی و حذف آثار فیزیکی به کاربر فرصت می‌دهد که نقش‌های متفاوت را در زمان‌های مختلف بازی کند. کاربران در فضای مجازی از خاصیت گمنامی برای بیان و شرح بخش‌های جستجو نشده و محقق نشده خودهایشان و ساخت خودی که جعلی است، استفاده می‌کنند. (ترکل، ۱۹۹۵، ص ۱۷۸)

آزمون فرضیه ششم نشان می‌دهد که بین پایین بودن سطح دینداری و جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. در سال‌های اخیر دین به عنوان یکی از عمده‌ترین متغیرهای موثر بر رفتار و حالات روانی افراد مورد توجه بسیاری از متخصصین علوم رفتاری قرار گرفته است تا جایی که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰)

آزمون فرضیه هفتم و هشتم نشان می‌دهد که بین تجهیزات سازمانی نوین و هم‌چنین تخصص و مهارت کارکنان با جرائم فضای مجازی رابطه وجود دارد. کشف جرائم فرایندی خلاق و نیازمند مهارت‌های خاصی است که می‌توان آن‌ها را آموخت و توسعه داد. آموزش‌های لازم و تجهیزات نوین باید در اختیار کارکنان در جهت کشف جرائم قرار گیرد.

### **پیشنهاد‌های پژوهشی تحقیق**

۱- جرائم رایانه‌ای به خصوص کلاهبرداری رایانه‌ای در قوانین جزایی باید به دقت و آینده‌نگری تهیه و تدوین شود.

- ۲- تدوین قوانین و مقررات سخت مربوط به امنیت اطلاعات برای صاحبان اطلاعات قابل طبقه‌بندی و مهم
- ۳- فرهنگ همکاری و تعاون با پلیس در زمینه کشف و شناسایی و تعقیب این جرائم گسترش یابد
- ۴- پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های قانون‌گذار با استفاده از قوانین و مبانی حقوقی کشورهای اسلامی نسبت به تهیه و تدوین قوانین مرتبط اقدام نمایند.
- ۵- ارتقای سطح علمی در دانشکده‌های علوم انتظامی از طریق تدریس واحدهای درسی مورد نیاز تحت عنوان جرائم اینترنتی و رایانه‌ای
- ۶- همکاری با مجامع علمی و دانشگاهی دنیا و تبادل افکار و تجربیات و اطلاعات آن‌ها در این خصوص
- ۷- همکاری و تعامل با کارشناسان حقوقی به منظور آشنایی کارآگاهان و افسران تحقیق با مبانی حقوقی جرائم رایانه‌ای
- ۸- دادن آموزش‌های کافی برای استفاده‌کنندگان از این فناوری به صورت حضوری و غیرحضوری به شکل انتشار کتاب و نشریات و ارتقای سطح امنیت رایانه و آشنایی با خطرات و شیوه‌های نفوذ مجرمان به سیستم‌های رایانه
- ۹- تدوین آیین دادرسی ویژه محیط‌های رایانه‌ای.
- ۱۰- قضات و ضابطان آموزش لازم را فراگیرند.
- ۱۱- توجه بیشتر مسئولان و متصدیان به امر پژوهش و کاربردی نمودن این‌گونه تحقیقات به منظور شناسایی عوامل جرم‌زا جهت پیشگیری از وقوع جرائم رایانه‌ای
- ۱۲- تشویق مؤسسات مالی، بانک‌ها و شرکت‌ها برای به‌کارگیری تدابیر امنیتی مناسب با توجه به قابلیت خطرپذیری و نفوذ مجرمان به سیستم‌های رایانه‌ای
- ۱۳- تأمین نیازمندی‌های پلیس سایبری در راستای تجهیز مراکز تخصصی و از بین بردن موانع خریدهای خارجی
- ۱۴- بازنگری وضع قوانین موجود و ارزیابی کفایت قوانین ماهوی و شکلی زیربنای حقوقی و اداری و ارائه راه‌حل‌های مناسب
- ۱۵- برگزاری نشست‌های علمی با حضور اساتید و دانشجویان در رابطه با تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت دینی.

۱۶- مراکز دینی می‌توانند با به‌روز و جذاب کردن آموزه‌های خود به جذب جوانان به امور دینی کمک کنند.

## منابع

### الف) فارسی

- ۱- باستانی، برومند.(۱۳۸۳). جرائم کامپیوتری و اینترنتی، انتشارات بهرامی، تهران
- ۲- توکلی، دارگانی. (۱۳۸۵). تاثیر فناوری اطلاعات بر حضور زنان در جامعه . ماهنامه تدبیر. شماره ۸۹
- ۳- جلالی فراهانی، امیرحسین.(۱۳۸۰). پیشگیری وضعی از جرائم سایبری، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۶
- ۴- خداقلی، زهرا (۱۳۸۲). جرائم رایانه‌ای، انتشارات آریان، تهران.
- ۵- ریتزر، جرج.(۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ۶- سهرابی، نادره و سامانی، سیامک.(۱۳۸۰). بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان، نقش دین و بهداشت روانی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران

### ب) غیرفارسی

- 1- Bringal, T. (2005). The impact of internet communication on social interaction , from: <http://dx.doi.org/10.1080/02732170590925882>
- 2- Cohen, A.K. (1955), Delinquent Boys, New York: Free Press.
- 3- Goffman, E. (1959). The presentation of self in everyday life, New York: Doubleday, Anchor.
- 4- Miller, Marlyn (1998), "Teenagers and internet safety", PEW Report, Michigan press.
- 5- Peslak AR (2006). Ethics and Moral Intensity: An Analysis of Information Technology and General Education Students. Proceedings of Information Systems Education Conference, Dallas, Texas: 120
- 6- Turkle. S (1995), Life on screen, identity in the age of the internet , New York: Simon and Schuster
- 7- Vitell S (2003). Consumer Ethics Research: Review, Synthesis and Suggestions for the Future. Journal of Business Ethics. 43(12): 33-47.
- 8- Waskul. D. & D. & Duglas. M (1997), cyberself : The emergence of self in online chat , information society 13(4): 375-397